



امروز با مولانا

هم روت خوش هم خوت خوش هم بیچ زلف و هم قفا
ای صورت عشق ابدوی حسن تو بیرون ز حد
ای جان باغ و یاسمین ای شمع افلاک و زمین
ای مستغاث العاشقین ای شهسوار هل اتی

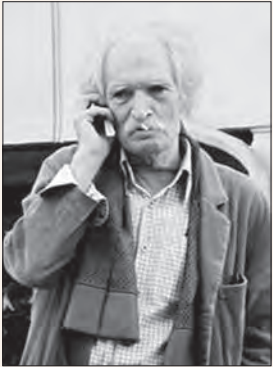
هم شیوه خوش هم میوه خوش هم لطف تو خوش هم جفا
ای ماه روی سروقدای جان فزای دلگشا
ای مستغاث العاشقین ای شهسوار هل اتی



برش

سلوج

محمود دولت آبادی



عشق مگر حتما باید پیدا و آشکار باشد تا به
آدمیزاد حق عاشق شدن، عاشق بودن بدهد؟ گاه
عشق گم است، اما هست، هست، چون نیست.
عشق مگر چیست؟ آنچه که پیداست؟
نه، عشق اگر پیدا شد که دیگر عشق نیست.
معرفت است. عشق از آن روست، که نیست!
پیدا نیست و حس می شود. می شوراند. منقلب
می کند. به رقص و شلنگ اندازی و می دارد.
می گراند. می چراند. می کوباند و می دواند. دیوانه
به صحرای!

عشق مگر حتما باید پیدا و آشکار باشد تا به
آدمیزاد حق عاشق شدن، عاشق بودن بدهد؟ گاه
عشق گم است، اما هست، هست، چون نیست.
عشق مگر چیست؟ آنچه که پیداست؟
نه، عشق اگر پیدا شد که دیگر عشق نیست.
معرفت است. عشق از آن روست، که نیست!
پیدا نیست و حس می شود. می شوراند. منقلب
می کند. به رقص و شلنگ اندازی و می دارد.
می گراند. می چراند. می کوباند و می دواند. دیوانه
به صحرای!



شاتر

منطقه زلزله زده مور موری - ایلام

عکس: سجاد ذوالفقاری، قاسم سنبل آرا | ایستا

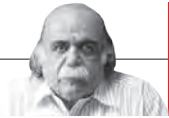


داستانک

گذشت از خویش یابد کارگی

میرجلال‌الدین کزازی

استادادبیات



تا بتواند بیش در دام «بوکارگی» (اعتیاد) باشد.
هنگامی که من در آن سالیان این خبر را در روزنامه
خواندم، در اندیشه فرورفتم که به راستی رفتار این
زن را چگونه می توان داوری کرد و ارز یافت؟ آیا این
زن؛ زنی است پلید یا درست به وارونگی زنی است
پاکباز که به بهای خویش می کوشیده است، دلدار
خود را خوشنود دیگر داند؟

از آن زمان همواره بدین پرسمان می اندیشم
اما پاسخی بی چند و چون برای این پرسش، هنوز
نیافته‌ام زیرا پاسخی که بدان می توان داد، پاسخی
است دوگانا و ناساز و بسته به

این که ما رفتار این زن را چگونه
بنگریم، پاسخی دیگر سنان
به این پرسش می توانیم داد؛
اما یک پاسخ که شاید کمتر
آشنای خوانندگان باشد، این
است که این زن کاری کرده
که پایه آن بر گذشتن از خویش
نهاده شده است. او آنچنان یار
خود را گرامی می داشته که به
پاس وی تن به رسواترین کار در

داده است. از سویی دیگر انگیزه او آن بوده است که
آن گرد یا ماده مخدر را برای وی فراهم بیاورد. من
هر زمان به این نکته می اندیشم، این بیت خواجه
بزرگ، فرایادم می آید که فرمود:

اگر شراب خوری جرعه‌ای فشان بر خاک
از آن گناه که نفعی رسد به غیر چه پاک
حال نمی دلم این پرسمان که طرح شده، می تواند
خاطره یا یاد باشد که بشاید آن را برای شما طرح
کرد؟ به هر روی این مرایه یاد آمد و به این دلیل که
در ذهن آمده است، شاید به خاطره ماند.

در کردار بسیار نکوهیده و افزون تر از گناه امیز،
می توان گفت مجرمانه، در رفتار این زن دیده
می شود. یکی آن بیوند رسوا، گناه اولاد، دود دیگر
یاری رسانیدن به مردی که دل بدو یاخته بوده است

امروز به چی فکر می کنی

همدر دمر دمان تمام دنیا هستم

شهلا لاهیجی

مدیر انتشارات روشنگران



نمی شود و منطقه جغرافیایی خاصی را دربر
نمی گیرد، به این موضوعات که فکر می کنم،
خشمگین می شوم و تاسفنی فراوان مرا فرا
می گیرد زیرا مانند ایند دوره را تا این زمان،
تجربه نکرده‌ام.

موضوعی که ذهنم را درگیر کرده، این است
که خیلی راحت اسلام می کنند ۲۰۰ نفر در این
مکان و هزاران نفر در نقاط دیگر، سر هیچ و پوچ،
از بسن می روند. غزه، عراق، آفریقا، اوکراین و
یمن، هیچ جای دنیا آرامش وجود ندارد. این
جنگها به چه دلیل است؟ برای چه هدفی
صورت می گیرد؟ همزمان به این فکر می کردم
که هر چه بشر به پیش می رود، به قاعده باید
در رفتارش اصلاحی صورت بگیرد اما این گونه
نیست و نخواهد بود. هیچ دوره‌ای را این گونه
ندیده بودم. این مارها، تکان دهنده است. این که
دختران را دستگیر می کنند و به مناطق و افراد
دیگر می فرورند، تاسفبار است. آیا ما به هزاران
سال قبل برگشته ایم و رفتاری را انجام می دهیم
که هزاران سال پیش طرد شده است؟ صادرات
انسان برای اهداف مشخص، بسیار درناک است.

بعضی اوقات به کار خودم فکر می کنم که این کار
را برای چه دلیلی آرایه می دهیم؟ اصلا تیراژ این
کتابها چقدر است، آیا تاثیری هم دارد؟ یا خود
می گویم ای کاش کار من تأثیر مثبتی در چند نفر
بگذارد. از طریق فرهنگ مبارزه کردن، زیباست
اما اکنون این اسلحه دیگر نه توان شلیک دارد و
نه می تواند اهداف خود را پیدا کند! مات و مهیوم
از رخدادها، از موضوعاتی که در پیرامونمان
در حال گذر است! مانده‌ام که این چه اصولی
است، این رفتارها برای چه اهدافی است؟ افکارم
مانند تمام افرادی که در کنارم زندگی می کنند
به اینها بسته است. ناراحتی از ناآرامی‌ها و با این
غم‌ها، خود را همدر تمام مردمان دنیا می دانم
و سعی می کنم در کارهایی که صورت می دهد،
افراد مورد تهاجم راجح کنم.

هفته گذشته، هفته‌ای خاصی برای من بود.
در طول هفته گذشته، تمام ذهن مرا سیمین
بهبهانی، به خود درگیر کرده بود و همین عامل
باعث شد برای گرامیداشتش نیز مراسمی
بر گزار و در حد بضاعت خود، نه در خور شأن
«سیمین» یادبودی برایش بر گزار کنیم.

هفته گذشته برای من و بسیاری دیگر
از دوستان، هفته «سیمین» بود و هر کار
می کردم، یاد و خاطرش در دلمان زنده و تمام
ذهن من و دوستان را درگیر خود کرده بود.
همه ما سعی کردیم که به یاد او باشیم و هر
آنچه در توان است، برای تسلی خود به کار بریم
و با جدیت زیادی به این موضوع پرداختیم چه
آن که خود او، رفته است و نیازی به تسلی ندارد.
با این حال هفته جدید را در حالی آغاز کردم
که هنوز یاد او باقی است اما بخش زیادی از
زمان خود را درگیر فرهنگسرای نیاوران بودم و
در حال ترتیب دادن مقدمات برنامه‌هایی که در
این فرهنگسرا خواهم داشت. تمام این مسائل
را که به کنسرتی بنهیم و پایان کار را به انتظار
منشییم و زمانی که کارها با سامان به پایان
می رسد، زمان استراحت و آرامش در خانه است
اما همین زمان برای من، تازه به وجود آورنده
افکاری عجیب و البته فراگیر است. مواقعی که
تلویزیون را روشن می کنم، در این افکار هستم
موضوعاتی را مشاهده کنم که در آن زمان برای
من نوعی تسلی باشد اما نه تنها چنین نمی شود
بلکه احوالاتم به هم می ریزد. دگرگون می شوم
از این همه خبر درباره از بین رفتن انسان‌های
بی گناه که دایم در تلویزیون هم انعکاس پیدا
می کند. چنین حوادثی، معطوف به یک نقطه



گپ و گفت

قدر پدر و مادر رو بدونین

کارای بچاند. البته دو سه روزی کمک می کنن
ولی خب خسته میشن و میرن. خونه ما هم
شده شیفتی. تنها شیفتی هم که نایته و تغییر
نمی کنه، شیفت منه. برای همین هیچ وقت
خالئ ندارم.

درباره چالش سسل آب یخ نظرت چیه؟
دعوت نشدی؟

خب موضوع جالبه. به نیت این موضوع که فکر
می کنم، این نظر رو دارم که ثمربخشه. دعوت هم
شدم اما من این کار را انجام نمی دم البته گفتم
که این موضوع درونمایه خوبی داره و یک کار
خیر قلمداد می شه اما خب خیلی ها این موضوع
را با خودنمایی اشتباه گرفتن. عقیده دارم این کار
توسط ورزشکارها و هنرمندان عیبی نداره بلکه
کاملا باعث تشویق افراد می شه. من از نیت خیلی
از این آدم‌هایی که این کار را انجام می دهند اطلاع
دارم که در خفا بدون قسار دادن در معرض دید
عموم، کمک‌هایی را در باب این موضوع و مسائلی
شبهه به این انجام داده‌اند.

پس نظرت مثبتته. مشابه این کار هم
چند جاذبه اجرا شد؟ درسته؟

آره دقیقاً چند حرکت دیگه تو کشورهای مختلف
دیدم مثل ریختن خاک بر سر. این کار رو برای
حمایت از کودکان غزه انجام دادن که حرکت
نمادین و پسندیده‌ای بود و خیلی هم جالب.

برنامه برای مسافرت داری؟

بین بعد از سرریال مدینه من چند جا دعوت
شدم که خیلی هم به این مسافرت احتیاج
داشته‌ام اما می گم به خاطر بچه‌ها نتونستم که بر
ولی از لحاظ روحی خیلی به سفر احتیاج دارم و
بیشتر از خودم، همسرم از زمانی که باردار شد،
نیاز داره چون خیلی احساس خستگی می کنه.

خدایش دل هر دو مون لک زده بر شغال اما مگه
بچه‌ها می زارن نکون بخوریم. مه‌راه که جاده‌ها
خلوت تر بشه احتمالا می ریم.

دور ترین جایی که در چند وقت اخیر
رفتی، کجا بود؟

رفتم مهر شهر پیش خواهر خانم. فکر می کنم
دور ترین جایی که در چند وقت اخیر رفتم،
همین مورد بود.

بازمه دور ترین اتفاقی که تو همین مدت برات
افتاده چیه؟

راستش بازمه ترین هم به بچه‌ها ربط داره. انواع و
اقسام صدامهایی که از خودشون درمیان مخصوصا
وقتی که عوضشون می کنیم. بچه به چشمم زل
زده بود و روی دستم هر کار دوست داشت انجام
داد.

حرف آخر؟

قدر پدر و مادراتونو بدونین.
من هر دو اونارو از دست
دادم.



سعید بیابانکی

شاعر



این شعر یکی از بهترین اشعار است که در
ادبیات ما گنجانده شده و پس از این همه سال،
به جا مانده است.

درباره آن سال‌ها و مدت‌های زیادی بحث
شده و از موقعیت بسیار شاخصی در امور
اخلاقی، برخوردار است. به نظر من این بیت، یکی
از روان‌ترین اشعار است که در ادبیات ما وجود
دارد. در دید کلی، این گونه بروز می کند که یک
شعر کاملاً ساده است اما ابعاد زیادی را داخل
خود، جای داده است.

شعر، به موضوعات اجتماعی و فرهنگی اشاره

درس زندگی

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است / بادوستان مروت بادشمنان مدارا

در هر جایگاهی که هستید و هر اعتقادی که
دارید، در مواجهه با افراد دیگر از خود تعادل
نشان دهید و این اعتدال را در زندگی تان پیاده
کنید زیرا این اعتدال یا تعادل باعث ارتقای سطح
زندگی افراد می شود و از خیلی مسائل مختلف
و ایجاد تنش های احتمالی، جلوگیری می کند.
این میانه‌روی که حافظ به آن اشاره دارد، از
این جایگاه نشأت می گیرد که میانه‌روی، باعث
استحکام سطح روابط افراد است. جالب این است
که حافظ می گوید با دوستانتان به بهترین نحو
ممکن رفتار کنید و حتی بر این نظر است که
شعر با دوستانی نیز از در سستی وارد نشوید و حتی
با آنها هم از در مدارا وارد نشوید. شاعر با توجه به
این شعر، هیچ کجای معادلاتش، بر این عقیده
نبوده است که جنگ و ستیز را در کار خود داشته
باشید.

عمیقی دارد. به همبستگی بین افراد و تعامل
و آشنی افراد در هر زمان و برهه‌ای که با هم
هستند. این بیت در خود، به بسیاری از مسائل
اشاره مستقیم دارد. حافظ در این شعر به طریقه
درست، به زندگی کردن با آموزه‌های ریشه‌دار
در صلح و دوستی، اشاره مستقیم دارد و بر آنها
پافشاری عمیقی می کند. این شعر اشاره مستقیم
به همزیستی بین افراد دارد و می گوید حتی در
بدترین مواقع و لحظات نیز در کنار هم با تعامل،
دوستی و مهربانی زندگی کنید.
در این شعر، حافظ این سیاست را داشته است
که اشاره مستقیم به تساهل و تسامح بین افراد
دارد. حافظ در این شعر، مدارا را اصل نهاده
است و بر آن پافشاری زیادی دارد. اشاره اصلی
در این شعر بر تعادل و اعتدال در زندگی افراد
در جامعه‌ای که حضور دارند، است. می گوید

پس نکته مساعد و مناسب این است که این
یک بیت به تمام مناسبات بین افراد در یک
جامعه یا هر جای دیگر تسری یابد. مثال جالبی
که می توان برای این شعر آورد این است
که شما اگر به سگی نیز نزدیک می شوید و قصد
حمله به شما را دارد نباید هرگز به او عکس العمل
خاصی بروز دهید بلکه بی توجه و با مدارا از
کنار او رد شوید و کوچکترین اهمیتی به آن
ندیدید.
این شعر حتی با این که یک بیت است، درس
زندگی را به خوبی به آدمیان آرایه می دهد. این
شعر با نوع دولتی که بر ایران بر سر کار است
کاملاً تشابه دارد و انتخاب این شعر توسط
رئیس جمهوری هم بی دلیل نبوده است زیرا این
موضوع را ما در سیاست خارجی کشورمان نیز
مشاهده می کنیم.



فروردین